



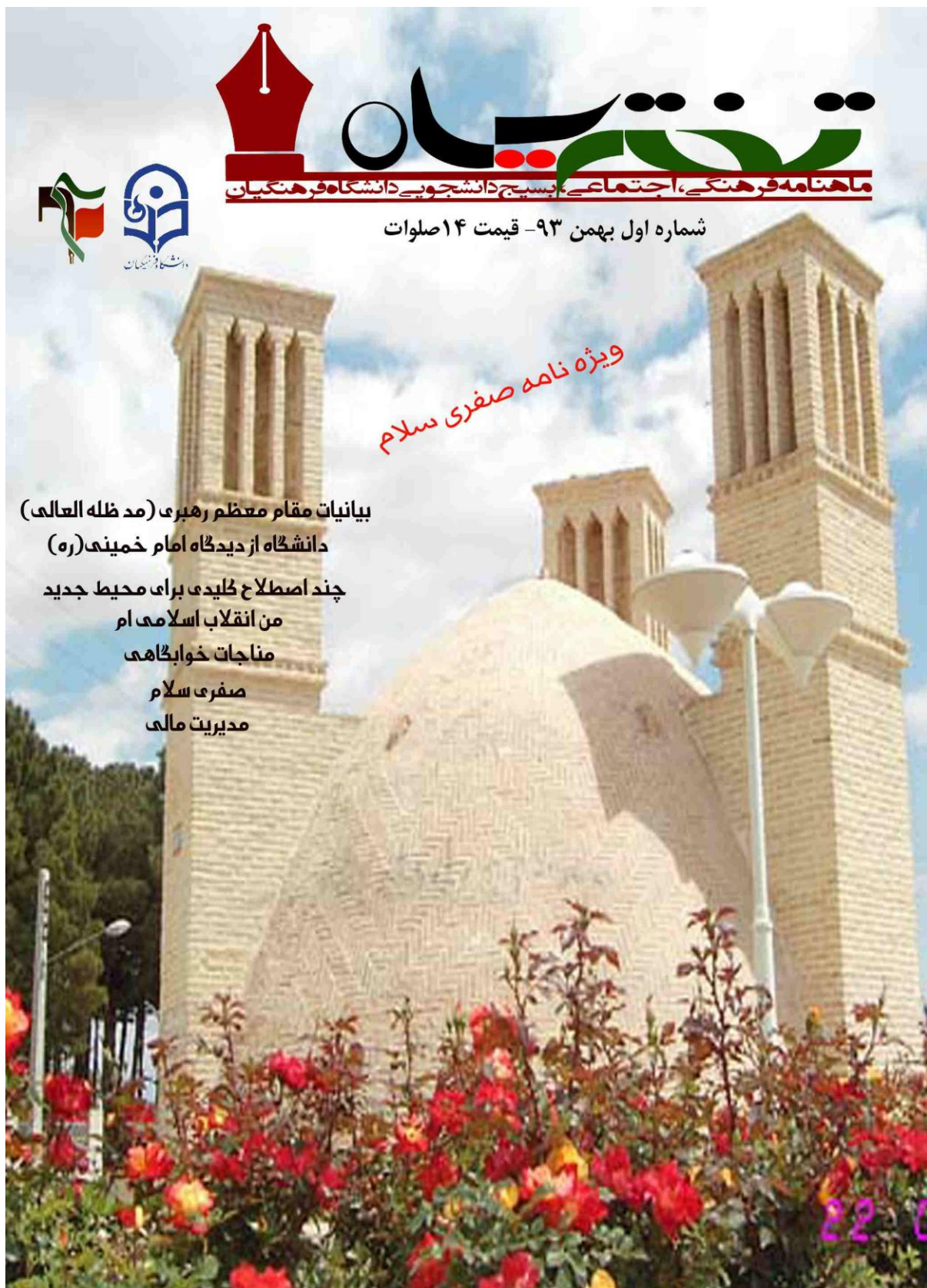
تخت‌سار

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

شماره اول بهمن ۹۳ - قیمت ۱۴ صلوات

ویژه نامه صفری سلام

بیانیات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)
دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره)
چند اصطلاح کلیدی برای محیط جدید
من انقلاب اسلامی ام
مناجات خوابگاهی
صفری سلام
مدیریت مالی



۲۲ ۵



ایام فینبی (۹۵):

اگر دانشگاه اصلاح شود . مملکت اصلاح می شود

دانش تنها ، فایده ندارد ، بلکه دانش و تعهد با همدیگر می توانند انسان را به جایی برسانند که محتاج دیگران نباشد و پیش خدا آبرومند باشد ؛ البته این کار ، مشکلات و ناگواری هایی دارد. هر کس بخواهد کار مثبتی انجام دهد ، این طور نیست که همه از آن کار خوششان بیاید و آن را بپسندند . ممکن است کار حقی هم در ذایقه دسته ای تلخ بیاید ؛ ولی کسی که دنبال حق می رود و برای رضای خدا کار می کند ، نباید به فکر این باشد که به او چه گفته اند یا چه می گویند ؛ باید خدا را در نظر بگیرد و برای خدا کار کند ؛ هر کس ، هر چه می خواهد بگوید. کار خوب هم مخالف دارد. شما فکر این باشید که کارتان خوب و پیش خدا آبرومند باشد. وقتی در این فکر بودید ، خدا هم شما را همراهی می کند و مشکلاتتان را اصلاح می نماید که اگر دانشگاه اصلاح شد ، کشور اصلاح می شود.

صحیفه امام ، ج ۲۱ ، ص ۲۲۳

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی پایگاه فاطمه الزهرا(س)

مدیر مسئول: فاطمه السادات مرتضوی

سر دبیر: مریم بهزادی

صفحه آرا: مائده نعمت اللهی

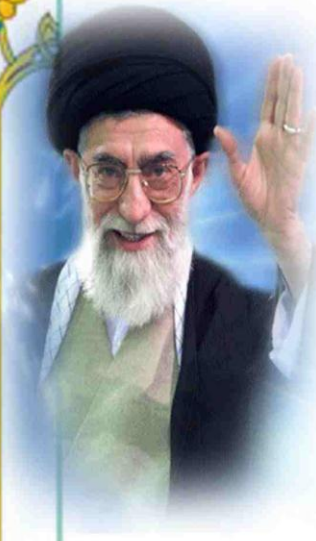
عکاس: زهرا نکونام، زهرا میر سلیمانی

حروف چین: پریسا خبازان، طیبه محمدی

هیئت تحریری: مریم بهزادی، زهرا پورعابد، سمیرا آروغ

www.pryazd-takhtesiyah.blogfa.com

Email: takhtesiyah@chmail.ir



بیانیات مقام معظم رهبری [مد ظله العالی]

محیط دانشگاه به طور طبیعی، محیط شادابی، نوگرایی، نوآوری و نوزایی است.

محیط دانشگاه، محیط بالیدن شخصیت ها، جوشیدن استعداد ها و بروز و ظهور نقاط درخشان پنهان در شخصیت انسان هاست.

هم چنین دانشگاه محیط صفا و خلوص و حقیقت جویی هم هست؛ چون مجموعه جوانند و این ها از خصوصیات جوان است.

در عین حال دانشگاه، نمودار و نشان دهنده ی حساسیت در برابر پدیده های نامطلوب نیز هست؛ یعنی آن چیزی که از دید جوان - از نگاه ارزشی و نگاه آرمانی نامطلوب می باشد، بیش از همه در محیط دانشگاه نسبت به آن حساسیت به وجود می آید، که این حساسیت گاهی با زودرنجی توأم است.

هم چنین اگر زمینه فراهم باشد، محیط دانشگاه - علی رغم آن که عده ای گمان می کنند یا می خواهند وانمود کنند چنین نیست - محیط گرانش های دینی و معنوی لطیف هم هست. این خصوصیتی است که به طور طبیعی، در هر مجموعه ی دانشگاهی در کشور ما وجود دارد.

محضر محترم سلام
محضر محترم سلام
محضر محترم سلام

نامت را که در لیست قبلی های دانشگاه می بینی، انتظار چند ساله و فستی چند ماهه ات را از یاد می بوی. پس از ثبت نام و تویج خیال کارت سلف و خوابگاه می شوی یک دانشجوی تمام حیار، آماده می شوی برای آغاز یک دوره فعالیت و کوشش دوباره در محیطی نو برای نشستن روی یک قله دیگر.

سلام مهری، نه بخشید، دانشجویانم معلم چطورن، خانوم معلم؟

رسیدن بغیر... این روزها مسابی دانی و نمیدونی کجا با گذشتی، ترم یک امتحالا هر روز به نیت می رسی میشی، بچه مرفوب، دراز گوش، فوان، فشنگ، هنوز کلاس نخاشته از سوی دانشجویان به عناوینی چون بچه مثبت و سوسول دوم شاگرد ممتاز بنشی مسابی نوره توی برعکستانت، ترم سو م بی خیال محفل و نمره میشی سه و آمد می افی، ترم چهارم به آب و آتش می زنی تا سه واحد عقب افتاده را جبران کنی دوباره فقط شب امتحان درس میفونی مشروط میشی..... مبارک است..... و همین طور ادامه پیدا می کندتا ترم هفت می نویسی برای میرت جگران طنز.

فلاصه روزگاریه! می گردد اما چه جوری؟ کهل میشی، عینکی میشی از فوشی رزنگی میپی نمیفهمی، آفرش هم به قانونم معلم ساده ولی شیک میشی.

همیشه ترم اولی ها از بهترین های دانشگاه بوده اند. دانشگاه و شهرش فرقی نداره ؛ جوانان پر انرژی و جدی ... دغدغه بیشتر اونا اینه که از آغاز راه برنامه ریزی خوبی برای درس خوندن داشته باشند ، دوستانی را پیدا کنند و هم اتاقی بساز و باصفایی بیابند ؛ مشاوره امین برای راهشون پیدا کنند و برای یافتن دوست و یار همدم ، بسیار حساسند ؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) می فرماید: "شخص به آیین دوست خود است" ، پس باید هر کدام از ما بنگرد که با چه کس دوستی می کند.



منت خوابگاه را که نبودش موجب نیازاست و وجودش مراد ساز هر نفری که در قید حیات است و چون به در آید، نزدیک ممات! چون در اتاق ده نفر موجود است و بر هر پنجره ای نختی دو طبقه واجب .

بنده همان به که ز قحطی جا روی به آهن یک اتاق آورد.
مشت ها بعد از ساعت هشت احدی را رخصت ورود ندهند و دانشجوی ناخیری را در اولین فرصت به حراست هدایت کنند.

ای عزیز که با کمی تاخیر قصد رفتن به خوابگاه داری
از نگهبان چگونه بگیری، نو که تنها همین گه داری

گریه های بسیار را گفته که بساط نعجب دانشجویان و جیرجیرک های بی شمار را فرموده
که شب تا صبح آواز بخوانند، بساط ورزش صبحگاهی به جای کپسول های گازفرام
آورده و برای مطالعه چهارصد دانشجو اتاقی چون لانه ی گجشک مهیا
ساخته ، دانشجوی فعال را در اثر شلوغی به دیوانه ای بد حال
تبدیل کرده.

در خیراست که از سرور خادمان و مهتر مستخدمان و گروهی سوخته دل
از جمع خودمان که هر گروه یک نفر از دانشجویان بخت برگشته
پیشان حال به جانب یخچال روی آورد که جرعه آبی بخورد دریابد
که رندان آخرین بقایای مرغ و ماهی سرد خانه را ربوده و به جای آن
روی بر فکها واژه ی ویژه ی زرشک را حک نموده اند .



چند اصطلاح کلیدی برای محیط جدید



دوستان عزیز! یکی از راه های هماهنگ شدن با یک فرهنگ جدید ، آشنایی با اصطلاحات کارآمد آن است؛ در غیر این صورت ، شما مدت ها باید وقت صرف کنید تا در آن فضا به قول معروف "جا بیفتید" و در این مدت ، چه خنده هایی که نثار شما نخواهد شد . ما می خواهیم شما را با چند اصطلاح کلیدی محیط جدید زندگی تان آشنا کنیم تا کمتر سرکار بهانید ؛ گرچه این کار ، خیالتی به دوستان سال بالایی است که می توانستند تا چند ماه دستشان بیندازند و در محافل خصوصی شان ماجرا را نقل محفل کنند .



۱- صفری : بچه های سال بالایی در مورد ورودی های جدید ، لفظ صفری را به کار می برند. شما زیاد به دل نگیرید تا چشم به هم بزنید ، سال بالایی خواهید شد. فراموش نکنید که خود آنها هم روزی صفری بوده اند
۲- سلف : محل غذاخوری. الهی نویسنده براتون ، قیمه قیمه بشه . علتش را دفعه ی اولی که این غذای رویایی را میل کردید به خوبی درک می کنید.



۳- قانون پایستگی واحد: واحدها نه از بین می روند و نه پاس می شوند بلکه از ترمی به ترم دیگر منتقل می شوند.

۴- نقلیه (به ضم نون) : همان نقلیه به فتح نون است که از آنجا که اتوبوس هایش به اندازه چهار پنج برابر ظرفیت سوار می کنند و من و شمای بیچاره مثل نقل و نبات روی سر هم میریزیم به نقلیه (به ضم نون) تبدیل شده است.



۵- ولولوژی: یکی از واحدهای اصلی افرادی که علاقه مند به پرسه زنی اطراف باغ ملی می باشند.

۶- ژتون: غذا ، نان شب شما ، چیزی که در طول هفته از جون عزیزتره .
۷- غذاهای سلف :

الف- قورمه سبزی ؛ هر روزی که چمن های دانشگاه اصلاح می شود ، بدانید فردای آن روز قورمه سبزی خواهید داشت ؛ به این غذا چمن پلو هم گفته می شود.



ب- پلومرغ ؛ اگر در هنگام صرف این غذا متوجه شدید که مرغ در زیر برنج تکان می خوره، تعجب نکنید ؛ احتمالاً هنوز زنده است.

قیمه : یک روز در میان ، بوی خوش آن به مشامتان می رسد ، غذای مخصوص سرآشپز است



کثلت : نام دیگر این غذا دمپایی ابری است، غذایی است بسیار خوشمزه که مزه ی سیب زمینی خام و زیرخاکی برای اولین بار در دهانتان احساس می شود.

سیب زمینی و تخم مرغ: غذایی رژیمی جهت برقراری تعادل سلامتی دانشجویان دارای اضافه وزن.



دمپایی ابرکا

۸- تلپ شدن : فرض کنید ساعت ۲ نصفه شب دو عدد تخم مرغی را که با هزار دربه دری از اتاق روبه رویی دو دره کرده اید ، پخته اید و آماده خوردن هستید ؛ بعد يك نفر از اتاق کناری که به دنبال بو آمده است وارد می شود و خیلی صمیمی می آید کنار سفره و شروع به خوردن می کند . این عمل ، تلپ شدن نام دارد.

۹- مشروطیت : اگر خدایی ناکرده معدلتان کمتر از ۱۲ بشود، دو ترم بعد به صورت مشروط ثبت نام می شوید ؛ اما از همین حالا هشدار می دهیم که نگذارید مشروطه دوباره تکرار شود.



همیرگر

۱۰- افتادگی : در اصطلاح دانشگاه ، صفت کسی است که نتواند نمره ی قبولی درسی را اخذ کند و بر اثر این افتادن ها ضربات مهلکی بر او وارد می آید که باید به پزشک خوابگاه مراجعه کند.

۱۱- شماره دانشجویی : عدد ورود به نیای نمرات شما ، کلید آبرو و حیثیت و شماره پلاک شما .



سوپ

۱۲- تربیت اسب : واحد تربیت بدنی که در آن دانشجویان را به سان اسبی می خوانند.

۱۳- زندگی خوابگاهی : سوختن و ساختن ، تحمل کردن ایامی که برای گرفتن يك ورقه به نام مدرک تحصیلی ، باید سپری شود. نوعی تجربه ماشینی که از يك طرف خام می گیرد و از طرف دیگر پخته تحویل می دهد. که گاهی هم می سوزاند . خواب + مطالعه + خوردن . تلاش برای اراده .

مراحل ترس خواندن من برای امتحان	
<p>روز ۵ فصل موند</p> <p>۱۰ روز موند</p> <p>۱۰ فصل موند</p>	<p>روز ۷ فصل میفونم تمومه</p> <p>۱۰ ساعت موند ۱۵ امتحان</p> <p>۱۰ فصل موند</p>
<p>روز ۱۰ فصل موند</p> <p>۱۰ فصل موند</p> <p>۱۰ فصل موند</p>	<p>روز ۱۰ فصل میفونم تمومه</p> <p>۱۰ فصل موند</p> <p>۱۰ فصل موند</p>
<p>روز ۱۰ فصل میفونم تمومه</p> <p>۱۰ فصل موند</p> <p>۱۰ فصل موند</p>	<p>روز ۱۰ فصل میفونم تمومه</p> <p>۱۰ فصل موند</p> <p>۱۰ فصل موند</p>

دبستان

دانشگاه

مدیریت مالی

از آن جا که شیوه زندگی دانشجویی تا حدی شروع یک زندگی مستقل است ، بهتر است که مهارت مدیریت مالی را بیاموزید و تمرین کنید. بدین منظور ، می بایست به نکات زیر توجه داشته باشید :

۱- به یاد داشته باشید که هر انسانی نیاز دارد که مدیریت مالی صحیحی داشته باشد ؛ چون منابع درآمد نسبت به هزینه ها محدودیت دارند. ۲- واقع بین باشید ؛ معمولاً درآمدهای انسان برای همه ی خواسته ها و نیازها را از هم جدا کنید بنابراین ، خواسته ها و نیازها بگذارید. و تمرکز خود را برای یک ماه ثبت کنید ؛ ۳- مخارج خود را برای خود تهیه کنید ؛ تا مشخص فهرستی از مخارج خود زندگی شما چقدر است. شود که هزینه های زندگی خود و مخارجی را ۴- مخارج روزانه ی زندگی خود و مخارجی را که موردی و فصلی هستند ، از هم جدا کنید ؛ مثلاً در شروع ترم هزینه های رفت و آمد و هزینه های خرید کتاب ، بیشتر از طول ترم است.

۵- نقشه و طرحی برای آنچه در مورد هزینه های خود می دانید ، منابع مالی خود را توزیع کنید؛ مثلاً یادداشت کنید چه منابع مالی برای آنها وجود دارد و چه همیشه مبلغی پول برای موارد اضطراری در نظر بگیرید.

۷- برای کاهش مخارج زندگی روزانه بهتر است با هم اتاقی ها و دوستان خود مشترکاً عمل کنید. معمولاً بدین منظور یک "مادر خرج" تعیین می شود که خرج ها را یک جا انجام می دهد و بعد مخارج به نسبت اعضا تقسیم می شود.

۸- متعادل عمل کنید؛ یعنی تا آنجا که می توانید برای فعالیت های مختلف خود منابع مالی کنار بگذارید؛ مثلاً قسمتی از منابع مالی خود را برای هزینه های جاری و روزانه ، هزینه های فصلی ، هزینه های غیرمنتظره ، هزینه های پوشاک و ... کنار بگذارید.

۹- آینده نگار باشید ؛ هنگامی که هزینه های فصلی خود را بدانید ، آن وقت می توانید طبق آن برنامه ریزی کنید. از قبل به فکر هزینه های فصلی ، مانند رفت و آمد ، مهمانی ، عروسی ، خرید کتاب ، مسافرت و ... باشید و از قبل ، شروع به پس انداز یا کار کنید ؛ تا دچار سردرگمی نشوید.

۱۰- در صورتی که مشکل مالی پیدا کردید ، فوری کمک بگیرید. در این شرایط ، نزدیکان خود را در جریان بگذارید و علاوه بر خانواده ، از خدمات امور دانشجویی ، اداره ی رفاه ، مددکاری و ... کمک بگیرید ؛ چون اگر دیر اقدام کنید ، ممکن است مشکلات دیگری نیز پیدا کنید.

۱۱- صرفه جو باشید ؛ صرفه جوئی در فرهنگ ما ، بسیار پسندیده است . صرفه جو با خسیس بودن ، فرق دارد. بسیاری از هزینه ها را می توان با صرفه جوئی کاهش داد.

۵۰ سال انقلاب اسلامی ام

۲۲

تولد من در روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ بود. ولی مادر روزگار، سال های سال بود که منتظر تولد من بود و دشمنان انسانیت مانع آن تولد بودند.

معنی من حاکمیت حکم خدا است در تمام ابعاد حیات انسان. و همه پیامبران به دنبال تولد من بودند و در غدیر زمینه تولد من فراهم شد. اما متأسفانه به دلایلی برای مدتی طولانی به تأخیر افتاد.

آری: من انقلاب اسلامی ایرانم. صدای بلند مظلومیت هزاران شهید، فریاد مظلومیت انسانیت شکسته شده زیر بار ستم ستمگران و فریب دغلاکاران.

من امید و آه سوزان مرحوم مدرسم در تبعیدگاه سرد و تنهای کاشمر. اعتراض بلند تنهایی آیت الله کاشانی ام در غربت بعد از کودتای ۲۸ مرداد. آرزوی آیت الله شیخ فضل الله نوری ام که خواست مشروطه، مشروعه باشد و اکنون من انقلاب اسلامی ام. آرزوی او و آرزوی همه پیامبران و اولیاء الهی.

من صدای رسای ضجه های زینب(س) هستم در سوگ پیکرهای پاره پاره صحرای کربلا، که خواستند حکم خدا در صحنه باشد نه حکم یزید. آه حضرت سجاد(ع) در خیمه گاه آتش گرفته ام. من نور انسانیت برای قوت قامت شکسته انسانیت زیر بار قرن ها هستم.

من يك تاريخ كينه و تنفرم از طاعوتيان ستمگر. حالا و فقط از من نان می خواهی؟ و ارزش مرا همین می دانی و بس؟

